

آراء و افکار گوته درباره اسلام

نویسنده: منفرد استن
ترجمه: شهرام انصاری

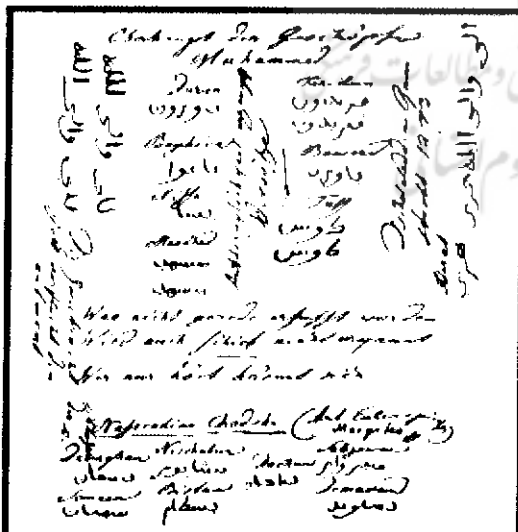
□ وقتی که گوته شاعر و متفکر آلمانی در سال ۱۸۱۴ با سرودن دیوان شرقی - غربی خود، ارادتش را به شرق نشان داد، این فکر و گمان به وجود آمد که گویی مسلمان شده است؛ با این که او هیچ وقت این مسئله را انکار نکرده است. از دیدگاه او، اسلام در برابر جهان غرب، دینی بود که به روح آرامش می بخشید، در هنگامی که در غرب فعالیت های شدید مادی به چشم می خورد. او در مورد ویژگی های جامعه مادی گرایانه مقالات بسیاری نیز نوشته بود. ولتر فیلسوف فرانسوی در تراژدی ای که در سال ۱۷۴۰ به «فریدریک کبیر» در مورد پیامبر اسلام فرستاده بود، پیامبر اسلام را مورد استهزاء قرار داده بود. گوته شاعر، چهار سال بعد که بنا به تقاضای شاهزاده «کارل آگوست» این تراژدی را به آلمانی ترجمه کرده و سعی کرده بود دیدگاه خود را نیز در مورد پیامبر اسلام نشان دهد. با اینکه او با دیدگاه ولتر در مورد انتقاد به بینادگرایی دینی موافق بود، ولی با وجود این، عقاید شخصی خود را نیز بیان کرده بود. گوته شاعر، ولتر را مورد انتقاد شدید قرار داد و میل داشت کتابش را با مطالبی که اضافه کرده بود، به چاپ برساند. او در سال های ۱۷۷۲ و ۱۷۷۳ در درامی که نوشته بود، انتقادات شدیدی به افکار آن زمان کرد که پیامبر اسلام را شخص دروغگو میدانستند، او مؤسس دین اسلام را که شخصی نابغه و خلاق بود، ایده آلی برای دوران ادبی «طوفان و بوران» بین سال های ۱۷۶۰ و ۱۷۸۰ مطرح کرد. هدف گوته این بود که در درام خود، پیامبر اسلام را شخص معرفی کند که خداجوی می باشد. او اشعار خود در مورد پیامبر اسلام را با ایده آلی که در صحنه آن زمان در نظر داشت، در سال ۱۷۸۶ تحت عنوان «نعمه محمد» به چاپ رساند. پیامبر اسلام در این کتاب، شخص معرفی می شود که مورد احترام مردم بوده و سعی دارد در طوفان سهمگین زمان، بر مشکلات فایق آید و مردم را از صمیم قلب دوست داشته باشد.

آغاز یک گفت گو - گوته می گفت که آیا اعتراف به خصوصیات و محسنات پیامبر اسلام می تواند آغاز یک گفت گوی شخصی با اسلام باشد؟ آیا این گفت گو بخاطر تجددگرایی در برابر اسلام انجام می شود؟ گوته با هوش و ذکاوت خود بسیار زود متوجه اختلاف فرهنگی میان غرب و اسلام و لزوم گفت گوی میان آنها شد. او اهداف و کوشش خود را برای لزوم این گفت گو در دومین کتاب مشهور خود بعد از فاوست،

یعنی «دیوان شرقی - غربی» گفت گوی میان غرب و اسلام را پی ریزی کرد. مهمترین کاری که کرده است، این است که قرآن را مهم ترین سند تاریخی دینی بعد از انجیل به رسمیت شناخته است. در این کتاب، تواضع خود را در برابر ارزش های فرهنگی شرق نشان داد. و این ظن و گمان را به وجود آورد که گوئی مسلمان شده است. با اینکه خود این مطلب را هیچوقت انکار نکرده است. او با مطالعه قرآن و متون مربوط به آن و اشعار «دیوان شرقی -

غربی اش»، به مطالعه اسلام پرداخت. از روی قرآن لایتنی، شش مورد آن را ترجمه کرده و به تمرین خطاطی زبان عربی پرداخت که نمونه هایی از آنها در آرشیو او در دست است و بالاخره در مراسم عبادی مسلمانان نیز شرکت کرده بود. وقتی که در سال ۱۸۱۴ عده ای از سربازان «بایسنقر» برای مقابله با ارتش ناپلئون زیر نظر قدرت نظامی روس با آلمان متحد شدند، به وایمار آمدند، گوته شاعر در مراسم عبادی مسلمانان شرکت کرد و در این مورد نوشت که در سالن اجتماعات دبیرستان پروتستانها، مراسم عبادی مسلمانها برگزار شد که در آن سوره هایی از قرآن نیز قرائت شد.

محمد (ص) به عنوان پیامبر و نه شاعر - گوته با شهامتی که داشت گفت: «آموزش های محمد، هیچ نقصی ندارد و کسی نیز به مرتبه علم او نخواهد رسید.» ولی این مسئله مانع نشد که گوته اشعار پیش از اسلام را که در آن درباره خدای عشق صحبت می شد، تحسین و تمجید نکند. او معتقد بود که پیامبر اصلاً دارای قابلیت های شعری نیست. محمد (ص) ادعا می کرد که پیامبر است و نه شاعر و به این دلیل، قرآن، کتاب قانون خداوند است و کتابی انسانی نیست که برای تدریس و یا لذت ادبی و شعری مناسب باشد. گوته شاعر در ضمیمه و یادداشت های



نمونه ای از خط فارسی گوته: این نسخه که اصل آن ۹۰ در ۶۹ سانتیمتر است یادگار دورانی است که گوته به آموختن خط و زبان فارسی مشغول بود. عین نسخه اکنون در موزه گوته و شیلر Goethe and Schillerachir نگاه داری می شود.

پاورقی‌های خود در «دیوان شرقی - غربی» به نتایج موجزی رسیده است که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

۱- تمام محتوای قرآن به طور مختصر و مفید در اولین آیات سوره دوم قرآن (بقره) آمده است.

۲- گوته مجذوب روش و سبک بیان قرآن که بدون قید و شرط موضوع و مقوله‌های خاص را بیان می‌کند، شده است: «روش قرآن با محتوا و هدف قرآن هماهنگ است. وقتی صحبت از عظمت، شدت، انتظام... می‌شود، روش و سبک بیان قرآن با موضوع و هدف آن کاملاً ارتباط دارد. کسی اجازه ندارد در تأثیر عظیم قرآن شکل و تردید به خود راه دهد.»

آنچه که در جملات فوق آمد، شاید آخرین «تأثیر قرآن» از نظر گوته نباشد، بلکه مساله مهم‌تری که او مطرح می‌کند، این است که موضوع خاص و منحصر به فرد و مهم انسان و بشریت، که تمام موارد دیگر، زیر مجموعه آنهاست، جنگ میان انسان و کفر است.

اسلام، یعنی آرامش، یعنی عقیده‌ای که در مقابل غرب قرار دارد. مسئله‌ای که گوته را بعد از مطالعه دین اسلام، سخت تحت تأثیر قرار داده است، این است که بگفته دوستش اکرمین: «نظام فلسفی اسلامی، معیاری عالی است که می‌توان با آن، خود و دیگران را ارزشیابی کرد تا مقدار فضیلت ارزیابی شده بدست آید.»

دلیل ارتباط گوته و اسلام، فقط این فضیلت عالی بوده است که ناشی از توجه اسلام به تقدیر الهی است که سرنوشت انسان‌ها از قبل تعیین شده است. گوته شاعر، عقیده دارد که توکل و تسلیم به امر خداوند، اساسی‌ترین مبنای دین می‌باشد. گوته با توجه به این مسئله می‌خواست خود را تسلیم امر خداوند کند، چنانچه از نامه‌اش به فریدریک سلتر می‌آید. گوته در نامه‌اش به اکرمین می‌گوید: «هیچ شک و تردیدی نیست که فضیلت معنوی پیامبر اسلام، در مرتبه بسیار بالائی قرار دارد.» مسلمانان در درجه اول، به جوانان می‌آموزند که اولویت را هبر خداوند، مقدر کرده است، آنچه را که پیش خواهد آمد، به این دلیل مسلمانان با این عقیده خود برای مراحل بعدی زندگی آماده‌اند و خود را به چیز دیگری نیازمند نمی‌بینند.

یکی از نتایج این عقاید، این است که مسلمانان ترسی احساس نمی‌کنند. البته این «توکل» به خداوند در میان مسلمانان در آن زمان با دستوراتی همراه با ترس در غرب مقایسه می‌شد، که نتیجه این مسئله را در کتاب «فراسوی نیک و بد» شرح می‌دهد: «ما می‌خواهیم به جایی برسیم که از هیچ چیزی نترسیم... اراده برای این خواسته و راهی که به این مسئله می‌انجامد، در غرب پیشرفت نامیده می‌شود.»

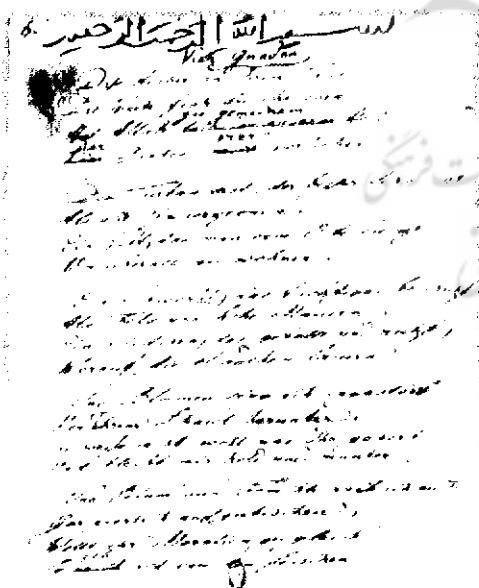
حال ببینیم که این آموزه‌های پیامبر اسلام نزد گوته شاعر به عنوان یک عنصر مثبت در برابر گرایش «تجدد گرایی» غرب چگونه به وجود آمد؟ از دیدگاه گوته، اسلام یک مکتب آرامش بخش است که در برابر غرب پر سر و صدا قرار دارد که دارای خصوصیت‌های شیطانی است.

تحقیقات مهم و ارزشمند خانم پروفسور کاترینا مومزن ادیب آلمانی که در آمریکا مشغول تدریس و تحقیق است، بنام «گوته و غرب» که هر سال ۱۹۹۸ منتشر شد، مورد توجه ادیبی و فلسفی‌های غرب قرار گرفت و وی

اهمیت این کتاب از نظر فرهنگی و سیاسی هنوز شناخته نشده است. خانم مومزن در این اثر سعی کرده است دیدگاه گوته در مورد اسلام را که مدتها فراموش شده بود، دوباره زنده کند. او با مطالعات و تعمق در ظرافت‌های تحقیقی خود درباره اسلام و گوته توانست دقیقتر جزئیات را توضیح دهد. پس از واقعه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ لازم به نظر می‌رسد که دوباره به این کتاب توجه شود، چون راهی در این مسیر باز شده است. خلاصه، این کتاب اخیراً از طرف انتشارات اینزل (Insel) منتشر شده است. ناشر این کتاب از مقدمه، گزارشی در مورد انعکاس این کتاب در جهان اسلام تهیه کرده است. کتاب خانم پروفسور مومزن که در سال ۱۹۹۵ در کشور کویت به زبان عربی ترجمه شد، با کمی سانسور به چاپ رسید و پاورقی‌هایی نیز به آن اضافه شد. بخصوص در مورد گفته‌های گوته در مورد فلسفه اسپینوزا که تصویر نابجائی از خداوند ارائه داده بود، میان مسلمانان آنجا با انتقاد روبرو شد، چون اسپینوزا گفته بود: «هرچه هست، خداست» و اراده آزاد انسان، به علت اولی و اصلی او برمی‌گردد و به «خداوند». به نظر گوته عقاید اسپینوزا میان فلاسفه غرب، مثل تعالیم پیامبر اسلام، آرامش بخش است. به همین دلیل گوته در کتاب «شعر و حقیقت» از اسپینوزا تجلیل می‌کند و می‌گوید: «آرامش اسپینوزا که باعث به وجود آمدن هماهنگی در همه چیز شده است، با تلاش‌های پرچوش و خروش من در یک سو حرکت می‌کند. به این دلیل من نیز از جمله شاگردان او به حساب می‌آیم و او را تکریم کرده و به او احترام می‌گذارم.» ■

منبع

Zuerischer Zeitung 2002/5/17



مکتب ۲
۱۳۲۵

... بسم الله الرحمن الرحيم به خط گوته آلمانی